

72

"مجاهدین انقلاب اسلامی": نقش نیروهای داخلی، سمتگیری و عملکردشان در انقلاب



نام کتاب: نگرشی کوتاه بر: انقلاب اسلامی ایران
چاپ: اول - فروردین ماه ۱۳۵۹ ر.ا.rouzaneha.org
انتشارات: سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی
آدرس: تهران - منطقه ۱۱ پستی - صندوق پستی ۷۱/۵۴۵
شماره حساب کمکهای مالی به سازمان:
شماره ۶۷۹ بانک صادرات شعبه ۸۸۱ خیابان مجاهدین (زاله)

آنچه می‌خوانید :

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۵	فصل اول - حرکت مستمر انقلابهای توحیدی:
۷	الف - از آغاز تا اوت ۱۳۵۷
	ب - دوران معاصر :
۱۷	۱- نهضت ملیت rouzaneha.org
۲۴	۲- قیام مشروطیت
۲۶	۳- نهضت جنگل - شیخ محمد خیابانی
۲۷	۴- نهضت مدرس ، فدائیان اسلام ، وطنی کردن ملت
۳۰	۵- قیام ۱۵ خرداد و مبارزات مسلحانه
۳۳	۶- انقلاب کبیر اسلامی بر مبنای امام خمینی
۳۳	فصل دوم - نگاهی به انقلاب اسلامی ایران :
	بخش اول - اوضاع جهانی و دست‌گیری قدرت‌های مملکت‌ساز در رابطه با انقلاب اسلامی ایران :
۳۶	۱- نقش آمریکا در نهال انقلاب اسلامی ایران
۵۷	۲- روسیه و انگلستان
۶۴	۳- انگلستان و روسیه
	خلاصه بخش اول - جمع بندی مواضع قدرت‌های خارجی در جریان انقلاب اسلامی ما (پنجم خلاصه)
۷۱	بخش دوم - نقش نیروهای داخلی، سم‌گیری و عملکردشان در انقلاب
۷۸	۱- جبهه ملی
۸۸	۲- نهضت آزادی

صفحه	تتوان
۹۱	۳- سادمانهای چریکی چپ و چپ‌زده
۹۷	۴- گروههای اصول مسلمان
۱۰۰	۵- تودهٔ رنج‌دیده و شهیدپرور مردم
۱۰۰	۶- قشرهای جدا از مردم
۱۰۰	۷- گروههای کوچک‌تری که از هر سوی چون قارچ روئیده‌اند
۱۰۱	۸- خلق مسلمان - کومله - جبههٔ دمکراتیک ملی - دفتر سیاسی خلق عرب - دفتر سیاسی خلق ترکمن - دفتر سیاسی خلق بلوچ - حزب دمکرات و...
۱۰۴	۹- حزب توده
۱۰۸	فصل سوم: وقایع انقلاب تا همه‌پرسی جمهوری اسلامی
۱۱۰	۱۹ دیماه ۵۶ (توام تم) rouzaneha.org
۱۱۵	۱۵ مرداد ۱۳۵۷
۱۱۶	رمان، ماه گسترش شکست انگیز پیام
۱۱۷	۳۵ مرداد ۱۳۵۷، نخستین حکومت نظامی
۱۱۹	۱۷ شهریور » (جمعه سرخ)
۱۲۰	۱ مهر » (آغاز سال تحصیلی)
۱۲۲	۲۴ مهر » (مسجد جامع کرمان)
۱۲۵	۲۴ آذر » (اعتصاب کارگران نفت)
۱۲۸	۲۰ بهمن » (آغاز قیام مسلحانه)
۱۳۰	۲۲ بهمن » (پیروزی مرحلهٔ اول انقلاب)
۱۳۲	۲۶ بهمن » (پایان اعتصابات)
۱۳۳	۸ اسفند » (آغاز صدور مجدد نفت)
۱۳۳	۱۴ اسفند » (نظام جمهوری اسلامی)

بخش دوم

نقش نیروهای داخلی، سمت‌گیری و عملکردشان در انقلاب

اکنون پس از بررسی مختصری که از نیروهای اجنبی و قدرت‌های جهانی، بدست داریم، به چند و چون مواضع و نقش نیروهای داخلی، در جریان انقلاب می‌پردازیم، تا کم و کیف و تأثیر آنها را بر انقلاب، دریابیم. و این موضوع بویژه با توجه به شرایط پس از انقلاب و تبلیغات و توضیحات فراوانی که همواره از هر سوی برای میراث‌خواری از خون‌شهبندان و جهت‌دادن انقلاب در مسیرهای خاص بعمل می‌آید، شایسته توجه است. چرا که اکنون می‌بینیم، هر دسته‌ای و جناحی، خود را صاحبان واقعی این انقلاب و مؤثرترین نیرو در حرکت و یا بشمار رسیدن آن جلوه می‌دهند و در پناه این ادعاها، سهمی و با همه دست آورد انقلاب را می‌طلبند و خود را «پیشرو»، «بیستاز»، «نجات‌دهنده»، و یا «جناح سیاسی انقلاب» می‌نامند.

rouzaneha.org

جالب اینجاست که گروه‌ها و جمعیت‌های مختلف و متضاد، در این ادعا مشترکند و هر کدام خود را ذیحق و ذیصلاح می‌دانند. بهر کدام و هر جناح نگاهی کوتاه می‌اندازیم:

۱- جبهه ملی:

آنچه که در سال ۱۳۲۹ همزمان با تشکیل «کمیسیون نفت» در مجلس بر هبری دکتر محمد مصدق تشکیل شد و برخی از نیروهای

مبارز مسلمان و ملی آزمان را برای مبارزه سیاسی علیه استبداد و استعمار هدایت می‌کرد، جبهه ملی نام داشت. rouzaneha.org

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و دستگیری دکتر مصدق، جبهه ملی از هم پاشید تا اینکه در سال ۱۳۳۹ با توجه به شرایط خاص آزمان و آزادی‌های سیاسی موجود، عده‌ای از جناح ملی بازمانده، «جبهه ملی دوم» را تشکیل دادند. (جناح مذهبی آن در نهضت مقاومت ملی و بعد نهضت آزادی شکل گرفته بود)، ولی چون صرفاً در شرایط نسبتاً آزاد و کم‌خطر که احتمال رهبری ویست و مقامی بود، حاضر به «مبارزه»! بودند با فر و کش کردن آزادیها و خطر ناک‌شدن جو مبارزه پس از ۱۵ خرداد ۳۲، عافیت‌طلبی پیشه کردند و حتی از میدان مبارزه سیاسی هم کاملاً کنار کشیدند و تا سال ۵۶ در حالیکه عظیم‌ترین ظلم‌ها و غارت‌ها و ویرانگری‌ها بر سر این ملک و ملت آمد، اینان دم زده و اصلاً وجود سیاسی نداشتند، زیرا پس از «انقلاب سفید» سیاست «صبر و انتظار» پیش گرفتند و فتوی دادند که مبارزه تعطیل است و باید صبر کرد و دید که رژیم چه می‌کند! عملکرد جبهه ملی در این فاصله که از ۳۲ بعد سراسر اشتباه محافظه‌کاری و سازش‌کاریست تا آنجا که در سال ۱۳۴۲ مرحوم دکتر مصدق طی نامه‌هایی که بکمیته دانشگاه جبهه ملی که مخالف رهبری بود می‌نویسد، صریحاً رهبران جبهه را مورد حمله و انتقاد قرار داده و از جوانان می‌خواهد که کار را بدست گرفته و جبهه را احیاء کنند. بدنبال این حملات آقایانی که امروز سنگ مصدق را بسینه زده و آنرا بهانه‌ای برای مقابله با انقلاب اسلامی قرار داده‌اند، معتقد بودند که مصدق، پیر شده و کم‌کم شاعر خود را از دست داده است! چون با

آنها و اعمال سازشکارانه و تسلیم طلبانه‌شان مخالفت کرده بود. می‌بینیم که در واقع پنهان شدن این چهره‌های فرصت‌طلب و وابسته پشت نام مصدق، تنها دکانی برای پوشاندن ضعف‌هاشان و بر باد دادن پره‌های پاك و سرخ گل‌های خون شهیدان ماست. و تنها هر گاه ضروری شود و بی‌ضرر باشد به عکس مصدق چنگ می‌زنند. بخوبی بیاد داریم که بختیار خائن هم که هیچ نفاذتی کیفی با بسیاری از رهبران جبهه ملی ندارد، در حال مصاحبه، عکس مصدق را پشت سر خود قرار می‌داد!

بهر حال «جبهه ملی دوم»، بدنبال مخالفت مصدق در سال ۴۲ کاملاً از هم‌پاشید و «جبهه ملی سوم» توسط يك تر کیب نامتجانس از نیر و های ناسیونالیست، مذهبی، و حتی چپ و بر خی از فرصت‌طلبان شکل گرفت که عمرش چند ماهی بیش نبود و پس از آن، بدون آنکه مورد تهاجم جدی رژیم طاغوتی قرار گیرد، از درون درهم یاشید. در واقع منالشی شدن جبهه ملی نشانگر بسر رسیدن عمر مبارزات جبهه‌ای در جامعه ما بود و از آن پس دیگر نیر و های مبارز، بسراخ جبهه ملی نرفتند.

در سال ۶۵ با وزیدن نسیم آزادیهای کارتری، «جبهه ملی» در چهارچوب قانون اساسی، مجدداً فعالیت سیاسی خود را شروع کرد البته روشن است که اینبار تنها در سطح همان «سیاستمداران» قدیمی طالب‌رهبری و «وزارت شرافتمندانه» مطرح بود؛ پس از ازجگیری کارانقلاب و در خطر افتادن رژیم مزدور پهلوی و سایل تبلیغاتی اربابان رژیم، که خطرهای بزرگی را در کمین دولت زیر سلطه خود می‌دیدند. بویژه زادیو «بی‌می‌سی»، سعی در بزرگ کردن «جبهه ملی» یعنی تنها نیر وئی که برای روزمباردا ذخیره کرده بودند، داشت. همواره با سران

آن مصاحبه ترتیب می‌داد، اخبار خود را از طریق جبهه ملی دریافت می‌کرد و تظاهرات و اعتصابات را بدروغ به جبهه ملی نسبت می‌داد و از آن بعنوان «بزرگترین جناح سیاسی مخالف» و «اصلی‌ترین جناح اپوزیسیون» نام می‌برد! خود این حضرات! نیز در صورت ممکن سوء استفاده کرده و خود را مؤثر جلوه می‌دادند. از جمله تظاهرات عظیم عید فطر را با «سازماندهی جبهه ملی» مطرح کردند! که بلافاصله از طرف روحانیت و مردم در راهپیمائی عظیم دو روز بعد به آن پاسخ لازم داده شد و در حقیقت شعار معروف و عمیق و همیشگی انقلاب که از طرف مردم با جان‌درد فریاد می‌شد یعنی «حزب فقط حزب الله - رهبر فقط روح الله» در پاسخ این توطئه‌ها و نفی هر گونه حزب از جمله همین جبهه ملی و برای تکذیب ارگان‌هایش بود که بلافاصله از طرف مردم بهمه جا گسترده و استقبال شد.

rouzaneha.org

البته جبهه ملی با تکیه بر پذیرش رهبری امام، خود را از محافظه کارها و نکته نظرهای مسالمت آمیز و ارتجاعی را در مورد سلطنت، رژیم شاهنشاهی، دموکراسی غربی و همچنین حاکمیت ملی و نه مذهبی می‌پوشانید. ولی بهر حال مردم بخوبی تفاوت اساسی خط امام و روحانیت پیر و امام را با احزاب و سیاست بانیهایشان درک می‌کردند. پس از نضت و زبیری بختیار هم، در حالیکه جبهه ملی بتصور اینکه دیگر بالغ شده و نیازی بروحانیت ندارد! اولین حرکت مستقل خود را انجام داد و در اعلامیه‌ای بدون مشورت با روحانیون و کسب اجازه از امام یکشنبه ۱۷ آبانماه ۵۷ را روز عزای ملی اعلام کرد. در آن اعلامیه جبهه ملی اندکی جرأت کرده و ماهیت خود را نشان داده بود. بدینطور

که برخلاف معمول کوچکترین اشاره‌ای به جنبش اسلامی و امام خمینی در آن نشده بود. البته این اقدام که از ماهیت فرصت طلب و قدرت طلب جنبه ملی برمی‌خاست، طبیعتاً با شکست روبرو شد و جنبه ملی مجبور شد از بیم افزا و طرد شدن، دزدوشنبه را نیز در تائید اعلامیه رهبران جنبش اسلامی عزای عمومی اعلام کند. البته پس از روی کار آمدن بختیار تغییر مشی جنبه ملی کاملاً مشخص بود در مصاحبه‌های سنجابی که بظاهر با بختیار جنگ زرگری داشت، نیز آشکار شد. «پیر روی از امام خمینی» جای خود را به «بین ما اختلاف مهمی وجود ندارد» داد! البته پیش از آن سنجابی و مانیان به پاریس رفته بودند تا پس از تائید امام به آمریکا بروند و زمینه‌های روی کار آمدن جنبه ملی را تثبیت کنند و یکی از عناصر مهم آنان بنام شایگان نیز با کرات تماس گرفته بود، اما مدل همیشه فاطمیت و هو شیاری امام مشت محکمی بر بنای توطئه آنان می‌کوبد و بناچار تن به خواسته‌های امام می‌دهند و در بازگشت با صحنه سازی در برابر خبرنگاران خارجی، برای مهم جلوه دادن سنجابی او را دستگیر کرده و در مدت بازداشت، رژیم مذاکرات خود را با او انجام می‌دهد، و از یک دیدگاه، اصولاً حکومت نظامی از هاری برای ایجاد زمینه لازم جهت تحمیل جنبه ملی بر مردم بود. به این معنی که با کشتار و خشونت مخالفین را وادار بسازش کند و بقول معروف «بهر گز بگیرند تا به تب رضایت دهند» و بدین طریق اهداف پرشکوه امام را که تغییر نظام شاهنشاهی و قطع کامل ایادی اجانب است با خدعه و اوجه سازند. بر همین اساس است که سرانجام بختیار از عناصر مشکوک و پرتابع رهبری جنبه ملی مأمور نجات منافع اربابان و رژیم

می‌شود. ظاهر آرزیم با اختیار بطور غیررسمی همان معامله‌ای را می‌کند که حاضر با انجام آن با سنجایی نبود. یعنی اختیار قدرت را بدست گرفته و شاه از مملکت خارج می‌شود. rouzaneha.org

بهر حال می‌بینیم که از سال ۳۲ تا ۵۶ که امام هولناکترین فریادها را بر فرق رژیم می‌گویند و بنیاد آن را از ریشه می‌لرزاند، جبهه ملی اصلاً وجود نداشت و از ۶۰ بعد نیز یک جریان ضعیف سیاسی و بدون تشکیلات است که اغلب برخلاف میل و ماهیت خود پشت سر روحانیت مردم بوده و با طرح شعارهای ملی و مبتنی بر قانون اساسی و همچنین سازش‌های پشت پرده با رژیم و از جانب جدای از مردم و احیاناً در صورت پیروزی وی، این جبهه ملی بود که جناح حاکم را می‌ساخت و احتمالاً اخراج ظاهری او نقشه تنظیم شده‌ای بوده است).

پس از انقلاب بناچار ماهیت آنان آشکارتر شد و دیدیم که شرایط حساس غیبت آیت... طالقانی، سنجایی، مقدم مرآغدای و نصرت‌الله امینی از پست‌های دولتی استعفا دادند تا شاید با ضربه‌ای دولت موقت متزلزل را ساقط نمایند. و از آن پس نیز با رودررویی کامل در برابر انقلاب و طرح شعارهای ضد انقلاب و تحریم کردن همه پرس‌ها و انتخابات مردم و فریاد بر آوردن از دیکتاتوری، مذهبی و آخوندیسم کار آنها بجائی کشید که بیك انشعاب اساسی در آن انجامید و جناح «فر وهر» و بازاریان مسلمان همراه جبهه، از آن جدا شدند و اکنون جبهه ملی یکی از جناح‌های مشخص ضد انقلاب و با توان اندکش مخالف خط امام و مردم حرکت مذبحخانه‌ای را ادامه می‌دهد. هر چند

باز هم، در حالیکه طبل رسوائیش را در همه جا کوبیده‌اند خود را جناح سیاسی دوران انقلاب می‌نامند و در کمین فرصت طلبی‌های دیگرند (در جریان بزرگداشت تختی در مرکز جبهه ملی از میان همه سخنرانان و هیاهوگران حزبی و غیر حزبی آنجا تنها باباک پسر مرحوم تختی از آنانم و انقلاب اسلامی یاد می‌کند). rouzaneha.org

نهضت‌رادیکال و دیگر جناح‌های بد اصطلاح «میدون» نیز ماهیت و عملکردی یکسان دارند. از جمله آقای مقدم مراغه‌ای که گذشته از سوابق مشخص پیش از انقلاب، در دوران انقلاب نیز بر اساس

۱- در اینجا قسمتهائی از نامه آذربایجانیهائی مقيم مرکز را که در تاریخ ۲۵ تیرماه ۵۷ درباره مقدم مراغه‌ای به آقای شریعتداری نوشته‌اند نقل می‌کنیم. در این نامه بعداً با مهر جمعیت تکثیر و منتشر شد. در این نامه از ایشان خواسته شده بود که: «این متن را از خود برانند و نگذارند این گونه عناصر عرجانی که امروز بر رنگ درمی‌پزند به حمایت آنحضرت: گوی و هی از مردم را که سالهای سال در پیگیری و تاریکی محض بسر می‌برده‌اند و از سوابق تکلیف اینگونه افراد اخلاقی ندارند اغفال کنند». در زیر قسمتهائی از نامه را می‌آوریم:

«... یکی از خطراتی که نهضت عظیم ملت ایران را تهدید می‌کند عوامل و دروسپیان سیاستند که در درون نهضت راه پیدا کرده‌اند اینها که هر روز برنگی درمی‌پزند از هر ضد انقلاب و هر عامل استعمارگر و ساواکی برای نهضت ایران و خطرفنا کثیرند. همین دلیل ما با الهام از تعالیم دین مبین اسلام و پیروی از مکتب اعراف، عرف و نبی از منکر وظیفه خود بدانیم که بر طبق اسناد و مدارکی که در اختیار داریم یکی از روسپیان سیاسی جامعه که خود را وابسته با آن آیت... معرفی می‌نمایند معرفی نمائیم. ما در پیشگاه عدل الهی سوگند یاد می‌کنیم که جرأت حقیقت محض کلمه‌ای در این نامه نداریم و از آنحضرت استدعا داریم پس از تحقیق و تدقیق آنچه در اینجا برشته تحریر آمد، این عمل فساد جانه را خرد، دو رسوا فرمایند.»

بقیه در صفحه بعد

استاد افشا شده توسط دانشجویان پیر و خط امام، در رابطه با جاسوس خانه آمریکا، بر علیه انقلاب فعالیت می‌کرده و پس از انقلاب نیز دیدیم که از استاندازی برای ضرب زدن و کسب موفقیت مهمتری استعفا داد و سپس از طرف حزب خلق مسلمان بمجلس خبرگان آمد و در حد توان خود با قوانین اسلامی مخالفت کرد، سرانجام نیز پس از افشای

rouzaneha.org

بقیه از صفحه قبل

و آقای مهندس رحمت‌الله مراغه‌ای امروز و روز سرد رحمت‌الله مقدم مراغه دیز و زمینی و مشاور مخصوص تیمسار متین‌دلتری رئیس سابق شهربانی بود که، «خیانت‌های این تیمسار در چند روز قبل از کودتای ۲۸ مرداد شاه مخلوع، و به نهضت ملی ایران و دکتر محمد مصدق بر هیچ‌یک از اعضای نهضت ملی و مردم ایران پوشیده نیست. آقای مقدم فرزند یکی از استبدادین و خونخواران، دو آدمکشانی است که جنایات او را همه آذربایجانی‌های معمر بخاطر دارند.» برادر آقای مقدم سرهنگ مقدم معروف رئیس کارگزینی شهربانی بود که، «جنایات او نیز برای افسران بازنشسته شهربانی اظهر من الشمس است. پس از آنکه آقای سرگرد مقدم از ارتش بیرون آمد چندی به فرانسه رفت و بمنوان «مهندس بایران بازگشت پس از مراجعت بوسیله خاتمش که نسبتی با خانم علم» و دارد خود را به علم نزدیک کرد و به دو خدمه علم یعنی رسول پرویزی و دکتر «باهری پیوست و بدستور علم که رهبر حزب مردم بود هر سه عضو حزب مردم شدند و آقای مقدم بعنوان کاندیدای حزب مردم از مراغه بمجلس رفت و ناشر، و افکار علم و حزب مردم در مجلس شد چون در آنزمان بین حزب ملیون، و بریاست دکتر اقبال و حزب مردم بریاست علم بر سر بدست آوردن قدرت، و نزدیکتی بیشتر به (بت اعظم) رقابتی سخت در گرفت مهندس مقدم از طرف، «علم مأموریت یافت که با بودجه دولتی در مجلس مخالفت کند و او مطلبی که، «بوسیله بسا هری و رسول پرویزی تهیه شده بود در مجلس قرائت کرد پس از، «تعطیل شدن مجلس مقدم وسیله‌ها تراشید تا با قدرت جدید یعنی دکتر امینی، و نزدیک شود و این خود موجب شد که از دستگاه علم طرد شود زیرا فردی که، «نمک خورده و نمکدان را شکسته بود دیگر بکار علم نمی‌خورد آقای مهندس»

بقیه در صفحه بعد

جنایات‌هایش بدامان اربابان خود فرار کرده و اکنون همراه نهادندی و بختیار و نزیه در پاریس به تلاش مذبوحانه مشغول است. می‌بینیم که این جناح در کل، سیاسی کار، سازش کار مخالف امام و روحانیت و اسلام بعنوان مکتب انقلابی و جامعه ساز، و همچنین قدرت طلب و خواهان دعوای کراسی به شیوه غربی هستند و در انقلاب اسلامی بر هری امام خمینی

rouzaneha.org

بقیه از صفحه قبل

«مقدم بوسیله دکتر امینی به مهندس روحانی (مردوم) معرفی شد و به سمت مدیر، عامل آب و برق منطقه‌ای منصوب گشت اما دیری نپایید که مهندس روحانی، و نیز او را از دستگاه وزارت آب و برق طرد نمود و مأمور وزارت آموزش و پرورش شد که بدون انجام کوچکترین کاری تمام حقوق و مزایای خود را از وزارت آب و برق دریافت می‌کرد در اینموقع بود که با انواع و اقسام وسائل، متمسب شد تا باردیگر خود را به علم نزدیک کند اما همه وساطتها بیفایده بوده زیرا او نمک خورده و نمکدان را شکسته بود این بار به تبسمار مقدم (مردوم)، رئیس سازمان امنیت که در آن روزها مدیر کل ساواک بود نزدیک شد و امتیاز، دفتر مشاوره از سازمان برنامه گرفت و همکاری و شرکت با عوامل فاسد در باره دهها میلیون تومان از سازمان برنامه حق مشاوره گرفت که صورت ریز آن، در سازمان برنامه موجود است آقای مقدم که قبل از دفتر مشاوره آه در بساط، و نداشت اکنون یکی از بزرگترین ثروتمندان ایران است که قصر اختصاصی او، در جنوب فرانسه و ویلای افسانه‌ای او در کنار دریای خزر و باغ وسیع محل، در زندگانش با چند مستخدم خارجی در خیابان میرداماد (سابق) و فرستادن، و فرزند ارشدتر با آمریکا آنها از سنین کودکی خود گواه بر آنست که تا چه حد، «او در فکر زندگی مستعطفین است.»

«آیا هیچ ابلهی می‌تواند باور کند که اگر کسی با رژیم سابق همکاری، دستگیر نشده باشد بتواند دهها میلیون تومان از طریق سازمان برنامه تروت، و بیندودد؟ مگر آنکه بتوان عامل دستگاه نعل و ابرو نه بازی کرده باشد یکی، و از افتخارات آقای مهندس مقدم داشتن ارتباط با سفارت آمریکا در تهران،

پایه در صفحه بعد

نیز هیچ گونه نقش مؤثری نداشته بلکه نرمزکننده و مخالف خوان نیز بوده‌اند. و اکنون نیز که از این نماد کلاهی نیافتند ماهیت ضد انقلابی خود را آشکار کرده‌اند و لذا بیش از پیش منزوی شده، هیچ خطری از ناحیه آنان حس نمی‌شود.

rouzaneha.org

بقیه در صفحه قبل

«است که قصه این رابطه را همواره با فخر و مباحثات برای همه دوستان خود»
 «نقل می‌کنند مهندس مقدم هر هفته یکبار نیز بحضور معینیان در دفتر مخصوص»
 «شرفیاب‌مرشد و دهها نامه به (پیشگاه مبارک علوگاه!) می‌نوشت و مراتب بندگی»
 «و عبودیت خود را همواره اعلام می‌نمود اما استدعای چاکرانه پی در پی او»
 «برای شرفیابی! نتیجه نداد و هیچوقت بدست بوسی (ذات مبارک!) نشد تمام»
 «مستخدمین و کارمندان دفتر مخصوص سابق از این رفت و آمدها آگاهند در»
 «شروع حزب رستاخیز مقدم جزو اولین افرادی بود که در این حزب نام»
 «نویسی کرد و از طرف این حزب کاندیدای نمایندگی مجلس در مراغه شد و»
 «چون جزو افراد رزرو و چرخ پنجم بود انتخاب نشد - در آن روزها کاندید»
 «بودن او را از طرف حزب رستاخیز روزنامه‌های اطلاعات و کیهان اعلام»
 «نموده‌اند که روزنامه‌هایش موجود است آقای مقدم پس از این محرومیت»
 «از مجلس رستاخیزی احساس کرد که یاد از طرف نهضت ملی و جبهه ملی می‌وزد»
 «خود را به بعضی از آنها نزدیک کرد ضمناً ملاقاتهای مداوم خود را نیز با دکتر»
 «علی امینی از دست نداد که هر طرف موفق شود او دستش کوتاه نباشد اما در»
 «دین حال رابطه حقیقی او با دستگاه و رژیم جبار استوار بود و گزارشهای»
 «لازم را تقدیم می‌کرد. برای اینکه با اهمیت خود بیفزاید يك اسم خبالی دیگری»
 «هم بنام - نهضت رادیکال برای خود انتخاب کرد و خود را رهبر این نهضت»
 «خبالی خواند»

و اما خانم شیخ مادر زن مهندس مقدم که از یادوهای معروف حزب»
 «ایران‌نویس و بعد حزب رستاخیز بود و از همین طریق نیز عضوانجمن شهر»
 «تهران شد روزی نبود که در روزنامه رستاخیز این خانم بسیار محترم‌ا مطلبی»
 «در باره عظمت (پیشوا) بچاپ نرساند و همه میدانند که شغل اصلی این زن»

بقیه در صفحه بعد

۲- نهضت آزادی :

آنچنانکه قبلاً اشاره رفت، سران نهضت آزادی همان یاران راستین دکتر محمد مصدق بودند که بلافاصله پس از کودتای ۲۸ مرداد نهضت مقاومت ملی را تأسیس کردند و در سال ۴۰ پس از آنکه مذاکرانشان با جبهه ملی دوم برای اسلامی کردن و فاطمیت بیشتر حرکت‌ها را استقلال بیشتر بی‌سازمذهبی جبهه بد نتیجه‌ای نرسید بعنوان نهضت آزادی اعلام موجودیت کردند. شعارهای اصلی این جمعیت بشرح زیر بود: «مسلمانیم، ایرانی، و مصدقی». با اینکه بر اسلام تکیه دارند

rouzaneha.org

بقیه از صفحه قبل

«اداره قمارخانه بود و رجال آریامهری! در قمارخانه ایشان همه شب سرگرم، «میشدند و آقای مهندس مقدم و خانم ایشان نیز يك زوج قمارباز معروف این» قمارخانه خانوادگی بودند.»

«آقای مهندس مقدم از طریق دیگری نیز خودش را به رژیم منحوس، نزدیک کرد او بایک نقشه ماهرانه خانم خود (کوچول شیخ) را راهنمایی، نمود که انجمنی بنام انجمن گل با کمک خانم سفیر زاپن در هتل هیلتون تأسیس، نماید که بدین وسیله به فرح نزدیک شود. اما او هیچگاه نتوانست فرح را «بجشنهای انجمن گل بکشانند در این جشنها خانم علیه فریده‌ها (مادر گرامی)» شرکت میکرد.»

«روزنامه‌های کیهان و اطلاعات ... مجله زن روز ... اطلاعات و بانوان، همواره این مراسم را با آب و تاب همراه با عکس‌هایی خاصه عکس خانم» «مقدم در حال خیر مقدم گفتن به سرکار علییه بانو فریده دیبا» بچاپ میرسانیدند.» «اکنون این روسپی سیاسی با این سوابق تنگینی که در اینجا «شنی» «فمونه‌ای از خرواری آمده‌است شب و روز تلاش میکند تا خود را بعنوان يك» «عنصر - ملی - قالب بزند و ادعا میکند که تحت حمایت آن حضرت میباشد و» «وفاحت را بجائی رسانده که با دوندگی در «جلالت و روزنامه‌ها برای شهرت، و طلبی از دستگام امام انتقاد هم میکند.»

ولی مبارزه‌شان مبارزهٔ مکتبی نبوده بیشتر به همان شیوهٔ جبهه ملی هر چند نندتر از آن، و بر اساس گرایش به دموکراسی غربی می‌باشد. پس از واقعه ۱۵ خرداد ۳۲ و قیام ملت به پیشوائی امام ده نفر از سران نهضت آزادی وعده بیشتری از کادرهای جوان و مبارز آن دستگیر و زندانهای مختلف، از ۱۰ سال تا کمتر از یکسال محکوم می‌شوند (بازرگان سجایی - آیت... طالقانی و همچنین از کادرهای جوان نهضت آزادی محمد حنیف نژاد و یارانش).

rouzaneha.org

پیش از این دستگیری‌ها، بعضی از اعضای نهضت آزادی به خارج از کشور می‌روند (دکتر بزدی، قطب‌زاده، چمران و...) و حتی پس از آزادی سران آن از زندان در سال ۱۳۴۶ نیز بواسطهٔ خفقان حاکم از نهضت آزادی، در ایران وجود سیاسی مشخصی ظاهر نمی‌شود. تا اینکه در سال ۵۶ با شناخت موقعیت سیاسی و جریانات «حقوق بشر» اینان نیز نخست در قالب جمعیت «دفاع از حقوق بشر»، «جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی»، و سرانجام با نام نهضت آزادی شروع به فعالیت سیاسی می‌نمایند. نهضت آزادی بر خلاف جبهه ملی دین را از سیاست جدا نمی‌داند و در طول انقلاب نیز مواضع حادتری از جبهه ملی اتخاذ کرده نخستین بار از میان اینچنین جناح‌ها، مسئله رفتن شاه را مطرح می‌کند ولی با همهٔ اینها به قانون اساسی مشروطه پای بند بوده و مخالفت با رژیم را از طرق انقلابی و سازش ناپذیر بر خون و خطر و مبارزه قهرآمیز با امپریالیسم را تجویز نمی‌کنند. البته با استبداد و استعمار مخالف بود اسلام را تنها مکتب متعالی مرفقی و جامعه ساز می‌شمارند.

بهر حال نهضت آزادی در طول انقلاب از طریق همان جمعیت‌های حقوق بشر، دفاع از زندانیان سیاسی و همچنین پخش اعلامیه‌ها و برگزاری سخنرانیها و بنابر گفته آقای بازرگان از طریق مذاکرات با سفارت خانه‌های بیگانه (از جمله آمریکا) عمل کرده است و بویژه با توجه به خط فکری سیاسی آنها که جدا از امام بود، تا اواسط سال ۵۸ بیشتر با آقای شریعتمداری ارتباط داشتند و آقای بازرگان نیز در ملاقاتی که با امام در پاریس داشت با مشکلاتی برخورد می‌کند.

rouzaneha.org

نهضت آزادی در طول انقلاب با طرح شعارهای حاد و همچنین اعمال روش‌های خشونت آمیز از نوع آتش سوزیها و انفجارها و غیره بشدت مخالف بوده همواره از طریق قانونی و در چهارچوب قانون اساسی عمل می‌کرد و میخواست تا شاه را نیز از همان طریق بیرون کند، لازم به توضیح است که نهضت آزادی در موقع برپایی مجدد خود در اواخر ۵۶ با شهرستانها و روحانیون مورد اعتماد مردم تماس برقرار کرد تا تشکیلات خود را بصورت گسترده پی‌ریزی کند ولی از همه جا یکبار پاسخ شنیدند و آن تائید امام از اساسنامه نهضت بود که این خود، کار آنها را با شکست مواجه کرد زیرا شیوه امام صددرصد مکتبی و مخالف مسامحه و آشتی‌پذیری، و از آنها جدا بود البته جناح خارج از ایران نهضت آزادی در همین زمانها طی اعلامیه‌ای بشدت از این شیوه نهضت انتقاد کرد ولی بهر حال می‌بینیم که نقش نهضت آزادی نیز در انقلاب اسلامی و بمرور رسیدن آن گذشته از تأثیر زندانی بودن آنها در سالهای گذشته قبل از ۵۰ و مجاهدات فردی آیت ا... طالقانی، منتهی میشود

به مذاکرات و تماسهایی که بنا بر ادعای آقای بازرگان نقش مؤثری در بهر رسیدن پیروزی با کمترین خونریزی داشته است که این نشانه کم بها دادن به انقلاب خونین اسلامیست ولی بنا بر تحلیل ما نقش اینان نیز از نظر سیاسی چون جبهه ملی نه تنها مؤثر بلکه بازرگانه و در نهایت بزبان انقلاب و مردم پایان گرفته است. چون مشاهده کردیم که وقتی امام با توجه به شرایط آن موقع و با پیشنهاد آیت‌... طالقانی و شورای انقلاب آقای بازرگان را جدا از نهضت آزادی به نخست‌وزیری برمی‌گزینند سرانجام دولت ائتلافی بازرگان با آنکه همان روزهای اول مورد انتقاد شدید امام قرار می‌گیرد ولی بهمان شیوه سازشکاری و عدم برخورد مکتبی بزرگترین ضربه را به انقلاب اسلامی می‌زند و ۹ ماه از بهترین زمانهای ممکن را بکلی تلف می‌کند ولی بحمدالله با حرکت انقلابی دانشجویان مسلمان پیر و خط امام، دولت موقت به آرامی سقوط می‌کند و انقلاب از این خط نیز نجات می‌یابد. روشن است که با یک تحلیل انقلابی نقشی مثبت برای نهضت آزادی در بهر رسیدن و ادامه انقلاب اسلامی نمی‌توان منظور نمود و هر گونه ادعایی در این مورد ناشی ازینشی الحرافی و جدا از خط امام می‌باشد، مخصوصاً با توجه به سخنان آقای میناچی و عملکردشان و دفاع آقای بازرگان است.

rouzaneha.org

۳- سازمانهای چریکی چپ و چپ زده:

این جناح که در طول سالهای ۵۴-۵۰ علیه رژیم پهلوی مبارزه مسلحانه بشیوه چریک‌شهری کرده‌اند، اکنون با تکیه بر مبارزات خونین خود و طغیان قهر آمیز بر علیه رژیم در سالهای خفگان که به قیمت شکنجه‌ها

واسادتها و خون یارانشان تمام شد و با طرح و بیشتاز بودن، و پیشگام بودن، «السابقون» دانستن خود، بمیدان آمدند و خود را از هر کس و هر جناحی ذیصلاحتر و ذیحق‌تر میدانند و همواره در هر موردی مبارزات گذشته و اسارت‌های خود را برخ کشیده از آنها بعنوان حربه‌ای برای حمله و همچنین سپری برای دفاع استفاده می‌کنند و بدیهی است که این‌ها حملاتی مؤثر بوده و منطقی می‌نمایند لذا به بررسی بیطرفانه آنها می‌پردازیم تا نقش این جناح نیز در انقلاب اسلامی کشورمان مشخصاً روشن گردد. نخست به بررسی اجمالی و کلی آنها می‌پردازیم.

rouzaneha.org

این سازمانها که بشیوه جنگ چریک شهری عمل می‌کردند و طول سالهای ۵۴-۵۰ ضرباتی با ترور شخصیت‌های رژیم سابق و حامیان آن و انفجار مراکز وابستگی، بر رژیم وارد کردند و این شیوه را تبلیغ مسلحانه می‌نمودند. قصد آنها از این ترورها و انفجارها بیشتر آگاه کردن مردم و جذب آنها بسوی مبارزه مسلحانه بود و خود می‌دانستند که چریک بودن، بدون حمایت و جلب یاری و پشتیبانی مردم، بقول مائو، چون فماهی بدون آب، است. اما بدلائل مختلف (که جای بحث آن اینجا نیست و انشاء... در محل مربوط، آنرا خواهیم شکافت) در این هدف خود موفقیت چندانی بدست نیاورده و تنها در سطح روشنفکران وجود دانشگاهی از حمایت و سمپاتی خوبی برخوردار شدند. در طول ۵ سال و تبلیغ مسلحانه (که البته مدت زیادی هم نیست) و همچنین از دست دادن بهترین یاران خود نتوانستند در میان توده‌های مردم حرکت چشمگیری ایجاد کنند و حتی مردم نیز بعضاً آنها را دستگیر و تحویل می‌دادند و با همه دل‌خونی که از رژیم داشتند امید چندانی به اینها

نیز نمی‌بستند. بهمین دلیل با وجود تشکیلات منسجم و مخفی و مقاومت‌های شگفت‌انگیزی که بعضی از آنان نشان دادند، سرانجام حضور فعال آنها در صحنه مبارزات اجتماعی تا اواخر ۵۴ بیشتر دوام نیاورده و زیر ضربات سهمگین و پی‌درپی رژیم بکلی متلاشی شدند. البته در این میان گرایش‌های مختلف درون سازمانی منتهی به تغییر ایدئولوژی و یا انشعاب‌هایی شد که در نتیجه پذیرش موثر بود. بهر حال بعد از ۵۴، دیگر هیچ‌گونه حرکت موثری از هیچ‌کدام از این سازمانها مشاهده نشد و ایشان یا کلاً بیرون از زندان تشکیلاتی نداشتند و یا نیروی آنها تماماً صرف اختلافات درونی و جمع‌بندی ضربات قبلی و امتحان شیوه‌های جدید و انشعابات مختلف می‌شد و لذا بجز يك يادو مورد آنها بسیار سطحی و کم‌اهمیت هیچ عملی، چه در طول ۲ سال قبل از شروع انقلاب (سالهای ۵۶-۵۵) و چه در طول یکساله انقلاب توده‌ای اسلامی (سال ۵۷) تا پایان پیروزی از آنان مشاهده نشده و بوقوع نپیوسته است. ولی پس از بیرون آمدن کادرهای اصلی‌شان از زندان و پیروزی انقلاب، دوباره تشکیلاتی را پدیدآوردند و هر کدام اینک ادعای وراثت انقلاب و رهبری و پیشتازی آنرا دارند و معتقدند که ایشان هستند که باید بحاکمیت جامعه برسند. در اینجا به یادآوری چند نکته می‌پردازیم: rouzaneha.org

الف - با اینکه این انقلاب ریشه در تمامی نهضت‌های انبیاء و ائمه و دیگر حرکتهای انقلابی از جمله جریانات پس از مشروطیت از کوچک‌خان و فداییان اسلام گرفته تا نهضت آزادی و سازمانهای چریکی مورد بحث دارد، اما با توجه به جو یأس و خفگی آن‌ها کم‌برجامه در سالهای ۵۶-۵۵ و مساط شدن طاغوت بر تمامی زمینها، آنچه‌آنکه حتی امید هیچ حرکت

سریع و تعیین کننده‌ای هم نپیرفت و حتی نیروهای مبارز مسلمان، در پی ایجاد سازماندهی و پی‌ریزی یک حرکت عمیق اصیل و گسترده در دراز مدت و برای سالهای آینده بودند، می‌بینیم که این انقلاب اسلامی مخصوصاً با توجه به شیوه عملکرد خاص خودش استراتژی و تاکتیک وایدئولوژی و رهبری خاص خود و نفی همه روشهای پیشین و تخریب شده، پیروزی غیرمنتظره و باور نکردنی، می‌تواند تا حدود زیادی مستقل بررسی شود و تنها عملکرد یکساله را و یا حداکثر حرکت ۱۵ ساله پیر و امام را در آن دارای تأثیر تعیین کننده بدانیم. rouzaneha.org

ب - همچنانکه گفتیم با توجه به استراتژی تاکتیک‌ها و ایدئولوژی انقلاب و همچنین رهبری فردی و روحانی آن که تماماً متمایز و حتی مخالف شیوه‌ها و عملکرد و اعتقادات آن سازمانها بود، لذا این جناح چریکی اصولاً از بنیان، با این حرکت مخالف بودند و آنرا با نامهای گوناگون، «کوره»، «خرده بورژوازی»، «آخوندی»، «بی‌نتیجه»، «غیر اصولی»، «غیر علمی»، «گاهی تند»، و «ایده آلیستی» می‌نامیدند و به هواداران خود از درون زندان توصیه می‌کردند که در این تظاهرات شرکت نکرده و برای همان کارهای اساسی ۱۴ (تنها جنگ چریکی) به مطالبه بیشتر و «سازماندهی» بپردازند، و دل به این حرکت‌های «خود بخودی» و رهبریهای «سنتی» خوش نکنند، زیرا «بدبختی است که خرده بورژوازی راست و میانه اگر چه عمیقاً ضد نظام سلطنت و شاه هستند ولی بعداً در شرایطی بسود امپریالیسم، بروی نیروی انقلابی شمشیر خواهند کشید»!!

ج - روشن است اسارت‌هایی که اینان کشیدند و یا خونهایی که از

پدارتشان بر زمین ریخت، برای برپایی حکومت جمهوری اسلامی بر اساس ولایت فقیه نبوده است و آنان از همان موقع برای جمهوری دموکراتیک ایران، با قانونمندیهای مشخص آن تلاش می‌کردند و بهمین لحاظ اکنون نیز با تمامی دستاوردهای این انقلاب و حتی انتخابات آن مخالفت می‌کنند. از سوی دیگر، مردمی که این انقلاب را آغاز و بیابان بردند و رهبری که آنرا با قاطعیت رهبری نمود، به این پی آمدها ارج می‌گذارند. پس نفارت آشکار بی‌شک نشانگر این موضوع است که آن خونها و آن اسارتها برای هدفی دیگر و پی‌آمدهی متمایز این انقلاب اسلامی بوده و بهمین دلیل نیز ادعای آنها بر این انقلاب غیر منطقی و فرصت طلبانه می‌نماید.

rouzaneha.org

۵ - این ادعاها را اگر بصورت فردی در نظر گیریم که بسیار مضحک می‌نماید، زیرا خانواده ۶۵ هزار شهید و همچنین بیش از ۱۰۰ هزار معلول می‌باید، هر کدام ادعای حاکمیت و وراثت انقلاب داشته باشند. و چه بسیارند شهیدان گمنامی که برای همین اهداف و برای همین جمهوری اسلامی دلیرانه و مشتاقانه به آغوش مرگ سرخ شتافتند و چه بسیارند جوانان برومندی که برای همین اهداف و در راه همین انقلاب و با هدف مشخص همین جمهوری اسلامی بر رهبری امام (ره) اهداف دیگر و مقصودهای باشکست مواجه شده) پس از مدتها زجر و درد و ناقص‌العضو شدند و چه بسیارند که هنوز شکنجه زخمها را بر جای دارند پس اینها نیز می‌بایست هر کدام با ادعای راستین خون و خسارت و درد و اسارت خود را وارث بحق تمامی انقلاب بدانند اما اگر آرام و گروه سازمان و تشکیلات مطرح است، خود آنها بهتر می‌دانند که آن گروههایی

rouzaneha.org

که از آغاز بودند هر کدام به حدود ۸ شاخه و دسته و گروه و خط فکری و روش سیاسی و مبنای عقیدتی گوناگون و منشعب و متفرق شده‌اند و هر کدام نیز خود را وارث راستین آن آغاز می‌دانند و هر کدام ادعائی خاص خود دارند و هر کدام دیگری را فرصت طلب و «اپورتونیست» چپ و راست می‌نامد، و این خود نیز بی‌ارزش بودن نفس ادعا را روشن می‌نماید. بویژه آنکه پس از انقلاب نیز همواره آنان در همه‌جا رو در روی مردم و انقلاب می‌یابیم. پس اینان چگونه صاحبان و رهبران انقلاب هستند که مردمی که فرمان‌رهمبر انقلاب را با خون بر سنگفرش‌ها نوشتند و با مشت بر ناکها یورش بردند، حرف و خط اینها را نه تنها به پیشیزی نمی‌گیرند، بلکه با آنها همانسان رفتار می‌کنند که با هر ضد انقلاب.

بهر حال می‌بینم که این جناح نیز نه برای این انقلاب جنگیده و نه به این انقلاب ایمان داشته و نه مردمی که این انقلاب را آغاز و پایان بردند، آنان را می‌پذیرند. بخشی از اینها، وقتی مردم شعار بسیار عمیق بنیادی بودگراگون کنند «استقلال-آزادی-جمهوری اسلامی» را فریاد می‌کردند، با شعار رفرفر میستی و سطحی «نان-مسکن-آزادی» بمیان تظاهرات می‌آمدند ولی همواره از جانب مردم طرد شده و تلاششان کاملاً بی‌نتیجه می‌ماند. این «انقلابیون»! که اهداف اقتصادی را در مقابل اهداف فوق‌العاده متعالی مردم قرار می‌دادند با بی‌اعتنائی و تنفر توده‌های خشمگین مردم که بخاطر اسلام و رهبر بزرگوارشان به آغوش شهادت می‌پرداختند، رو برو می‌شدند. دو وقتی امام با شعار «ارتش برادر ماست» می‌کوشید تا این سد عظیم دشمن را درهم بشکند و از درون تسخیر نماید، اینان مخالفت می‌کردند و حتی در آخرین لحظاتی

که قلعه‌ها فتح میشد و دروازه‌ها فرود می‌یخت، اینان در اجتماعات اندک خود، باشعار، روزهای خیالی بسیار دور آینده را ترسیم میکردند که ایران را سراسر سیاه‌کل می‌کنیم، و باورشان نمی‌آمد که برخلاف گفتهٔ «لینن» که بقول حزب نوده «از بشریت يك سروگردن بلندتر است»! با اعتصابات و تظاهرات و تحصن نیز بتوان يك رژیم دیکتاتوری وابسته را سرنگون کرد و از هم پاشید. البته برخی دیگر از اینان همان کسانی بودند که در آغاز امام را نندرو می‌خواندند!

حتی پس از پیروزی انقلاب هم بسیاری از آنان که مکانیسم پیروزی انقلاب، نقش رهبری، بی‌سابقه بودن حرکت مردم، و بالاخره نقش تضاد انگلستان و آمریکا را در نابودی رژیم محمد رضا خانی، یاد کرد نکرده و یا نمی‌خواهند درک کنند، وقیحانه انقلاب خونین خلق ما را «انقلاب آمریکائی» و یا «کوششی برجلوگیری از حرکتهای انقلابی و حاکمیت بخشیدن به رفرمیست‌ها» معرفی میکنند و با اینهمه از نتایج آن سهم می‌خواهند و حتی خود را پیش‌تاز و رهبر انقلاب در شرایط کنونی نیز می‌شمارند!!

rouzaneha.org

۴- گروههای اصیل مسلمان :

این گروه‌ها که اغلب بین سالهای (۵۴-۵۷) و بویژه در طول یکسالهٔ انقلاب در جهت همین انقلاب و با رهبری رهبر انقلاب و همچنین

۱- لینن در کتاب «دولت و انقلاب»

۲- سخنرانی دولت‌آبادی در دانشگاه تهران، هفته همبستگی ملی - که می‌گفت «این دم شبر است بیازی نگیر» و سخنرانی باقر مومنی که این روش را به «به‌کشارهای مردم بیگناه» در خیابانها عنتهی می‌شود محکوم می‌کرد. (هر دو نفر از روشنفکران چپ هستند)

اعتقاد به ولایت فقیه، فعالیت مختصر سیاسی، عقیدتی، نظامی داشته و در نقاط چندی بصورت بازوی مسلح انقلاب برای پیشبرد اهداف رهبر عمل کرده و با پذیرش واستقبال کامل از طرف مردم روبرو بوده‌اند. اینان نه تنها هر چه خون و شکنجه و اسارت که در دوران خفقان بجان خریده‌اند در راه همین انقلاب اسلامی بوده‌است، بلکه پس از انقلاب نیز، نگران از فرصت‌طلبی‌ها، ولی بدون ادعا و با توجه برسالت خود برای پاسداری انقلاب، کمر همت بر بسته‌اند که شرح عملکرد و نقش بعضی از آنان را در انقلاب، همراه مردم و پشت سر رهبر، در کتاب تاریخچه این سازمان که بزودی منتشر میشود میتوان مطالعه کرد. اینان بدلیل اعتقاد به ولایت فقیه نقشی بعنوان پیشتانز با غیره برای خود، در برابر رهبر قائل نبوده و نیستند اما با تمامی توان و امکانات در برابر انحراف انقلاب از خط «امام» و «ولایت فقیه» ایستادگی میکنند. نقش اینان در جریان انقلاب بدلیل شرکت فعالشان در کنار و متن مردم قابل ذکر و بررسی است. بویژه آنکه با عملیات مؤثر و پر بار، چون اعدام «پل گریم»، انفجار هلیکوپتر شینوک، انفجار عیاشخانه آمریکاییان (خوانسالار)، حمله مسلحانه به مینی بوس حامل مستشاران آمریکائی در اصفهان، و ترور بعضی از مسببین کشتار و حمله بمردم (در کرمان، رفسنجان، بهبهان اهواز...) باعث اوجگیری روحیه مردم در انقلاب و هراس بیشتر، مزدوران رژیم و همچنین اربابان خارجی بودند ولی باید اذعان داشت که اینها نیز نقش تعیین کننده‌ای در حرکت انقلابی مردم نداشتند.

۵- توده رنج‌دیده و شهید پرور مردم : rouzaneha.org

اینان که در کنار و با در پی رهبر، خالق، ندادم بخش، و به ثمر

رسانندگان این انقلاب خونبارند، بدور از اینهمه سهمیه خواهی، «ارث‌طلبی»، «پیشگامان» و «سردمداران» بازهم شانه‌های استخوانی خود را پیش از همه به نیر چرخهای سنگین مشکلات پس از انقلاب نهاده‌اند ولی خود هیچ‌گاه ادعای خون و انقلاب نکرده‌اند. دهم اکنون نیز چو نان روزگاری که لعش فرزندان خود را بردست میگرداند و چو نان شبهائی که تمامی توان خویش را در الله اکبر بسر فرق نظامیان می‌کوبیدند، در پی فرمان امام بجان و دل روانند. باعشق بصندوقهای رأی هجوم آورده‌اند، و با شوق برای دفع نابسامانیها رنج میبرند. خدا را بر نعمت اسلام و آزادی و رهبر حق، شکر می‌کنند و برای سلامت امام می‌گیرند. اینان «خالق انقلاب»، صاحب انقلاب، پاسدار انقلاب، و وارثین راستین انقلابند. و بی‌ادعاترین و بی‌بهره‌ترین افراد از دستاورد خویشند. در طول انقلاب، با اینکه هیچگاه در قالب هیچ تشکیلاتی در نیامده بودند، بخاطر ایمان و فرهنگشان و بدلیل ایمان به رهبری انقلاب، توسط روحانیت مبارز و متعهد اسلام بسیج شده و شگفت‌انگیزترین سازماندهی انقلابی در جهان را، عرضه نمودند، آنچنان که تمامی تجلیل‌گران شرق و غرب از پی بردن به چگونگی آن عاجز شدند. از دروازه مساجد بیرون می‌بخشند و خیابانها را چو نان سیل همه جا گسترده‌ای در می‌نوردیدند و شهید میشدند و انقلاب را به پیش میبردند. اینان مجاهدین، انقلابیون، و سیاستمداران راستین انقلابند. شرح حماسه‌ها و جانبازیها و شگفت‌آفرینی‌های اینان را باید در کتابهای قطور بامجلدات فراوان برای قیام مستضعفان و برای نشان دادن ارزش و کرامت انسان گردآوری کرد. تاریخ انقلاب با خون اینان

نوشته شده است و با قدرت اینان ندایم می‌باشد.

۶- قشرهای جدا از مردم

این افراد که اغلب از شمال شهر و ماشین‌های آخرین مدل سر بر می‌آورند، و اکنون همگام با ساواک‌ها و «قانون اساسی خواهان» سابق همواره «نق» می‌زنند و مخالف خوانی می‌کنند و گاهی «انقلابی» میشوند و به «راست»، «ارتجاعی» و «انحصار طلب» حمله می‌کنند، اغلب همان ضد انقلابهای ترسو و بزدلی هستند که در اوج نظاهرات پر خشم و خون مردم حتی از نگاه کردن به صحنه‌های پرشکوه قیام نیز می‌هراسیدند! و جرئت خواندن يك اعلامیه امام را نمی‌کردند و اکنون با «آیندگان» و «تهران مصور» «خلق مسلمان» و «کار» و... انقلابی و سیاسی شده‌اند و همواره یا شایعه می‌پراکنند یا به اصطلاح نظاهرات و تحصن بر راه می‌اندازند و از کمبود «رفاه» و «خوراک» و «آزادی» زندگی را «غیر قابل تحمل» می‌دانند جالب اینکه اینها نیز بسا کمال وقاحت و بیشرمی ادعای «خون دادن» و «انقلابی بودن» هم داشته و حق خود را می‌طلبند! rouzaneha.org

۷- گروههای کوچک دیگری نه از هر سوی چون قارچ روئیده‌اند:

اینها که اغلب به يك حرکت سیاسی، يك سازمان و یا جبهه و حزب وابسته هستند و در رابطه با آنها و خط فکری و عملکرد آنان ایجاد می‌شوند از خود استقلالی نداشته و دنبالدرو و بازپیچ دست دیگر جریانها هستند، اعضای اصلی آنان اغلب خود عضو یکی از سازمانهای مشخص بوده و فقط برای بازارگسرمی تبلیغاتی و احیاناً هوچیگری

سیاسی، خلق الساعه شده‌اند و بیشتر در حد یا کاسم بی‌مسمی باقی مانده، هویت واقعی پیدا نمی‌کنند، البته دست‌اندرکاران از این نام‌ها بشبوه‌های گوناگون سوء استفاده کرده و برای تقویت و تهییج کاذب یک حرکت بکارگرفته می‌شوند اینها در حقیقت تکثیر یک جناح در چندین نام و نشان گوناگون هستند.

۸- خلق مسلمان- کومله - جبهه دمکراتیک علی - دفتر سیاسی خلق عرب - دفتر سیاسی خلق ترکمن - دفتر سیاسی خلق بلوچ، حزب دمکرات، و... :
rouzaneha.org

این احزاب و گروه‌ها که پس از انقلاب و باهدف تجزیه و ایجاد آشوب و شکست انقلاب اسلامی سر بلند کرده یا بوجود آمده‌اند، هیچکدام بهیچ شکلی با این هویت کنونی در هیچ کجای تاریخ انقلاب ایران حضور نداشته‌اند و تنها بادهست‌های پیدا و پنهان اجانب برای رودر روی با انقلاب اسلامی و ایجاد تفرقه و سوء استفاده از ستم و تبعیض‌های زمان شاهنشاهی ایجاد شده‌اند، و بر تریب از طرف استعمارگران زخم خورده و فراری چون مهره‌ای برای اجرای مقاصد شوم خود توسط ایادی داخلی بکار گرفته شدند. نخست اغتشاشات خوزستان با توجه به اهمیت ویژه آن استان بعد کردستان و جریانات گوناگون آن بعد آذربایجان و پس از آن بلوچستان و دست آخر ترکمن صحرا... این احزاب و گروه‌ها نه تنها در طول زمان شاهنشاهی وجود داشته و افراد و اعضای اصلی آن جزو سرسپردگان رژیم بوده‌اند بلکه در کودتای انقلاب نیز هیچ نشان و حرکتی از آنان مشاهده نشده تنها بلافاصله پس از سرنگونی رژیم شاهنشاهی است که بادهست‌های مشخص ضد انقلاب ساخته و پرداخته می‌شوند و گروهی از مردم را نیز با شایعه و سوء

استفاده از تفاوت‌های قومی و مذهبی بدنبال خود می‌کشاند و فریاد «انقلاب» بر می‌کشند و سهم خلفها را از انقلاب می‌طلبند، اینها همه ماهیت و عملکردشان روشن، وابستگی‌شان آشکار و اهداف پایدشان بر هیچکس پوشیده نیست هر چند به «دفاع از خلق‌ها» و «برعایه» «ارتجاع» و «انحصار» و «انحراف انقلاب» فریاد بر آوردند تنها مزدوران پیشین و ضد انقلابیون و ایادی اجانب در شرایط کنونی‌اند، و مردم را باید از اینهمه جنایت آنان آگاه کرد و اقوام مختلف ایرانی را بر این خدعه مطلع نمود تا بر سرنوشتی که سر بر آوردند محو و نابود شوند. تنها در مورد حزب خائن دمکرات که ادعای سابقه دارد توضیح دهیم که «قاضی محمد» مؤسس حزب دمکرات مسلمانی شجاع بود که بدست رژیم نیر باران شد، و به دامن اجنبی فرار نکرد. و ادامه حرکت آن کردهای مسلمان اکنون در «سعيد آزادی» ها و دیگر مسلمانهای مقاوم کردی که در برابر کفر و ستم و تجزیه بپا خاسته‌اند، متجلی است نه از رهبرانی که سالها در شوروی و چلسلوا کمی بوده، و با اینکه عمیقاً ماتریالیست و وابسته به ابر قدرت‌ها هستند، منافقانه در سر اکثر حزب نماز جماعت می‌گزارند و ادعای عدم وابستگی و انقلابی بودن می‌کنند. تاریخچه دقیق حزب دمکرات نشان می‌دهد که رهبران جدید آن در اساسنامه حزب بکلی تجدید نظر کرده‌اند و این تغییرات در سال ۵۲ صورت گرفته است یعنی پس از آنکه حرکت مسلحانه‌ای در کردستان در سالهای (۴۷-۴۶) توسط رژیم پهلوی سرکوب می‌شد. در طول سالهای (۴۹ و ۵۰) نیز رهبران حزب بطور مرموزی! کشته می‌شوند و پس از آن گروه طرفدار حزب نوده، بر حزب، حاکم شده و رهبری بدست گروه سیاسی طرفدار

۱۰۳

بوردی می‌افتد و فاسملو رهبر آن می‌گردد. بگواهی تاریخ در طول سالهای پس دراز (۴۷ الی ۵۷) اینان کوچکتر بزحرکت موثری علیه رژیم منفورپهلوی انجام ندادند و هر کدام در یک کشوری از خارجی به زده بندهای سیاسی و فرما نبری از اربابان خود مشغول بودند، و ناپس از پایان انقلاب به ایران نیآمدند. rouzaneha.org

حتی در طول روزهای پر خون و خطری که تمامی ایران به فریاد ایستاده بود از آن ناحیه، حتی تظاهراتی نیز علیه رژیم مشاهده نشد، تا آخرین روزهای انقلاب که تلاشهای فراوان دانشجویان و دیگر جناحهای مردم کرد چند تظاهرات را موجب شد. این‌ها در حالی بود که همین «علامه مفتی زاده» که اکنون از منطقه مهاجرت کرده است و همین مزدوران دست نشانده او را ارتجاعی و وابسته می‌خوانند، بیش از ۵۰ اعلامیه محرك، آگاه‌کننده و بسیار موثر بر علیه رژیم و به پشتیبانی از انقلاب اسلامی صادر کرده بود. حالا این معلوم‌الحال‌ها از خارج بازگشته‌اند و می‌خواهند تا با تکیه بر مردمیت‌های مردم کردستان و با سوء استفاده و فرصت‌طلبی، مقاصد اربابان خود را عملی سازند و جالب اینکه با وقاحت سخن از ایرانی «آزاد و دمکراتیک» می‌رانند! اما ما مطمئنیم که بزودی مردم مسلمان کرد ماهیت اینان را باز شناخته و برده از چهره منافق و کافر و وابسته‌شان می‌درانند و با شوق و رغبت بدامان جمهوری عدل اسلامی پناه می‌برند. حزب خلق مسلمان که رسواتر از آن است که ما اینجا درباره‌اش سخنی بگوئیم. همچنین

۱- البته در اینجا بعضی از مواضع بعدی و فعلی «علامه مفتی زاده» نمیکنیم و آنرا به تحلیلی جامع از اوضاع کردستان ارجاع میدهیم.

کومله (طرفدار چین) که با وحشیگری توسط مزدوران اجیر شده، پاسداران گرفتار انقلاب اسلامی را بگلوله می‌بندند و اعدام می‌کنند همینقدر اشاره کنیم که بی‌سبب نبود مردم‌هوشیار و انقلابی‌ما در روزهای انقلاب فریاد می‌کردند «چین، شوروی، آمریکا، دشمنان خلق‌ما» و ما اکنون می‌بینیم که این سه قدرت، هم خود در صحنه جهانی متحداً علیه انقلاب اسلامی مستضعفین توطئه می‌کنند و هم ابادی داخلیشان همراه و همگام، به انقلاب ایران ضرب می‌زنند، زیرا همکاری حزب خلق مسلمان (وابسته به انگلیس و آمریکا، از طریق بختیار و مراغدای)، کومله (همان «سازمان انقلابی» و نوکر چین)، و دمکرات (دست‌نشانده رسمی شوروی و شاخه حزب توده) هر سه با هم به توطئه برخاسته‌اند.

rouzaneha.org

۹- حزب توده: نیرومندترین تشکیلات مارکسیستی است که مورد حمایت کامل و علنی شوروی نیز می‌باشد. این حزب در سال ۱۳۲۰ با حمایت مادی و معنوی شوروی در دوران اشغال ایران تأسیس شده و یک حزب وابسته وزیر سلطه مشخص و کامل شوروی است. عمل حزب توده در ماجرای کافتارادزه (بشتیانی از دادن امتیاز نفت شمال شوروی)، کارشکنی‌ها در مقابل دولت ملی، صدق، کمک غیر مستقیم به شکست وی با سکوت پر معنا در مقابل دولت ۲۸ مرداد با وجود داشتن سازمان نظامی هزار نفری و بالاخره محکوم کردن قیام مردم در ۱۵ خرداد ۳۲، تحت عنوان «حرکت فتودالها و روحانیون مرتجع و مخالف اصلاحات»، برای مردم ایران روشن است. این حزب نیز با آغاز «فضای باز سیاسی» در ایران در سطح بسیار وسیع و گسترده‌ای که همکاری و حداقل عدم مقابله با ساواک در آن مشخص بود (مثل فرقان)، به نشر اعلامیه‌های خود در داخل و در این اعلامیه‌ها

که با همان ماهیت وابستگی رهبران و ضد اسلامی و ضد ملی بودن جریان، مشخص بود، همواره تحلیلهای دروغین از انقلاب ارائه می‌شد و با تشویق و حمایت از اعتمادات صفتی و سندبکایی که انحراف از جنبش بود، ماهیت خود را مشخص می‌کرد این حزب از آغاز تا کنون چهره‌های گوناگونی بخود گرفته‌است و این چهره‌ها دقیقاً تابع جهت‌گیری روسیه است. لذا وقتی رابطه ایران و شوروی در زمان طاغوت خوب بود، جنبش مسلحانه را «ماجرای جومی آنارشیستی» می‌نامید و وقتی روابط تیره شد، پیشنهاد اتحاد به گروه‌های چریکی می‌داد! هم‌اکنون نیز گسترده‌ترین و قوی‌ترین تشکیلات مارکسیستی را در ایران دایر کرده‌است و با سیاست مزدورانه «پیروی از خط ضد امپریالیستی و خلقی امام» سعی می‌کند ننگ خیانت‌های گذشته را از بین ببرد و جای پای برای ایجاد نفوذ شوروی ایجاد نماید. لذا بنظر ما باید این حزب منافق و وابسته را بخوبی شناساند و هیچگاه به اینکه «فعال هر چه بگویم عمل می‌کند و از انقلاب و امام دفاع می‌نماید» دلخوش نشود. زیرا هیچ شکی نیست که اینها تماماً صحنه سازیهای سیاسی است و تا کنون با توجه به تجربه دراز مدت رهبران اجیر شده‌اش توانسته است در بعضی از جناحها نفوذ کند. شاهد زنده از نفاق این حزب، عملیات مسلحانه حزب دمکرات همزاد و در قلوبی همین حزب توده در کردستان و محکوم نمودن آن علیرغم «خط امامی» بودن!! است و راستی وقتی حزب توده ادعای خط امامی بودن کند، آیا رسوائترین حيله و چهره منافقانه رخ نمی‌نماید؟ بانگ‌اهی کلی به این بخش می‌بینیم که برآستی این همه حزب و گروه و سازمان و جبهه و انجمن و جمعیت که اکنون هر کدام ادعای وراثت

انقلاب را دارند و دیگری را به انحصار گزائی متهم می‌کنند درحقیقت هیچکدام نقشی اساسی در انقلاب اسلامی ایران نداشتند و تنها آن بخش از ایشان که همراه مردم و پشت سر امام حرکت صادقانه اسلامی انجام داده‌اند، تا حدودی مسئولیت سنگین خود را در برابر خدا و مردم بانجام رسانده‌اند و گرنه دیگران یا سر راه انقلاب بوده‌اند، و یا کلاً بدور از آن و در هوای اهداف و خط مشی خویش، و یا درگیر زدو بندهای سیاسی برای رسیدن به پست و مقام. rouzaneha.org

البته در اینجا لازم به تذکر است که این بررسی به این معنا نیست که پس از انقلاب نیز نباید هیچ حزب و سازمان و گروهی فعالیت داشته و در صدد بسیج مردم برآیند. بلکه اعتقاد ما اینست هر حرکتی که در جهت انقلاب اسلامی و پیروی از خط همه جانبه سازش ناپذیر، مکتبی و نه شرقی نه غربی امام و همراه با مردم و برای تشکیل و بسیج و آگاهی بیشتر آنها صورت پذیرد، نه تنها ارجمند، بلکه ضروری است. اما آنچه مهم است، در جهت جدای از انقلاب و راه امام و امت بودن وادعاهای نابجا داشتن، غیر منطقی و فرصت طلبی است. و گرنه آیا میتوان بعنوان مثال از «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» که قبل از انقلاب و حتی تا ۱۰۹۰ه پس از انقلاب نیز تشکیل مشخصی به این نام نداشته‌اند، ایراد گرفت که مثلاً «شما تازه بدوران رسیده‌ها، شما مبارزین پس از انقلاب»، و... «تا کنون کجا بودید» و «وقتی ما» مثلاً «در اسارت بودیم و خون می‌دادیم شما بیچه مدرسه‌ای بودید»؛ و یا مثلاً به سیاه پاسداران می‌توان طعنه زد که «تو در سالهای ۵۰ تا ۵۳ اصلاً وجود نداشته‌ای»؛ و روشن است که هر جریانی با توجه به عملکرد و ماهیت آن ارزیابی می‌شود و اگر به سوابق این گروهها مراجعه کردیم بدلیل همان ماهیت غیر انقلابی یا ضد انقلابی

۱۰۷

rouzaneha.org

و همچنین ادعاهایشان بود که به گذشته برگشتیم. همچنین اگر روحانیت مبارز و متعهد که تا کنون نقش اساسی را در رهبری و بسیج مردم ایفا کرده است، تشکیلات وسیع و منسجم و صد درصد اسلامی و قاطعی را می‌ریزی کند، آیا میتوان آنرا تازه جمهوریخواه و «انقلابی پس از انقلاب» نامید؟ شکی نیست که هر کجا انحراف و یا سازش و اشتباهی وجود داشته باشد باید قاطعانه و اسلامی به بررسی و رفع آن پرداخت ولی تکرار می‌کنیم که نداشتن تشکیلات و یادداشتن آن، دلیلی بر تائید یا تکذیب گروهی نمی‌تواند باشد، بلکه ماهیت کنونی و عملکرد فعلی با توجه به سابقه، تعیین‌کننده است. زیرا مگر نه اینکه طلحه و زبیر سالها برای اسلام شمشیر زدند، آنچنانکه پیغمبر درباره شمشیر زبیر گفت «بارها از چهره من غبار غم را زدوده است»، ولی سرانجام بر روی علی علیه السلام شمشیر کشیدند. چه رسد به آنکه از آغاز نیز شمشیر زدنها در راه شرك و یا انحراف باشد. شکی نیست که ارجمندتر: آنسانند که هم پیش از انقلاب و هم پس از آن، راه صحیح امام و اسلام خالص را پیه‌وده آنگاه مبارزه کردند و برای تداوم بخشیدن به آن در تلاشند و از این میان تنها رضای خدا و انجام حدود الهی را خواستارند.

نشر دیگران 1 2 3

"ویژه نامه‌ها"

روزانه‌ها... نشر دیگران روزانه‌ها... نشر دیگران